

مدل‌سازی معادله ساختاری ابعاد مکان با رویکرد بینا فرهنگی (مطالعه موردی: میدان نقش جهان اصفهان)

بهناز بابائی مراد - دانشجوی دکتری گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
حسین ذبیحی* - دانشیار گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
حمید ماجدی - استاد گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۱۱/۰۳ تأیید مقاله: ۱۳۹۷/۰۲/۱۶

چکیده

موضوعات مکان و فرهنگ را می‌توان در چارچوب مسائل جغرافیای انسانی و اجتماعی بررسی کرد. ضرورت این پژوهش بررسی مقوله‌های محوری مکان، ابعاد بینا فرهنگی و جایگاه میدان نقش جهان است. هدف این پژوهش، آزمودن مدل ابعاد چهارگانه، مدل یک مکان با رویکرد بینا فرهنگی در میدان نقش جهان است. جامعه آماری شامل افراد ۱۸ سال به بالای حاضر در میدان نقش جهان است. تعداد نمونه ۳۵۰ نفر در نظر گرفته شد که در نهایت ۳۲۰ نفر به عنوان نمونه نهایی در پژوهش باقی ماندند. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته بود. ابعاد چهارگانه در پرسش‌ها جای گرفت و همه پرسش‌ها در مقیاس پنج‌گزینه‌ای تنظیم شدند. به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شد. مطابق نتایج، مکان با رویکرد بینا فرهنگی، مفهومی پیچیده با ابعاد مختلف است که در مطالعه پیش‌رو، مدل چهاروجهی آزموده شد. در این پژوهش، مفهوم مکان با رویکرد بینا فرهنگی متشکل از چهار بعد است: توان-ظرفیت ماندگاری (با ۷ زیربعد)، توان-ظرفیت تعاملی و تکاملی (با ۳ زیربعد)، توان-ظرفیت جذب (با ۱۲ زیربعد) و توان-ظرفیت رویدادی (با ۴ زیربعد). مطابق نتایج، عامل توان-ظرفیت ماندگاری به شکلی معنادار بر عامل توان-ظرفیت رویدادی تأثیرگذار است. می‌توان گفت در صورتی که میدان نقش جهان اصفهان به عنوان مکانی با رویکرد بینا فرهنگی مطرح شود، شاید توان-ظرفیت جذب آن مفیدتر باشد.

کلیدواژه‌ها: ابعاد مکان، رویکرد بینا فرهنگی، مدل‌سازی معادله ساختاری، میدان نقش جهان اصفهان.

مقدمه

موضوعات مکان و فرهنگ را می‌توان در چارچوب مسائل جغرافیای انسانی و اجتماعی بررسی کرد (رضوانی و احمدی، ۱۳۸۸: ۴۵). فرهنگ به‌عنوان مفهومی پویا همواره از عوامل گوناگون تأثیر گرفته است و عناصر شکل‌دهنده آن بر اثر مؤلفه‌های گوناگون در حال تغییرند (خستو و حبیب، ۱۳۹۵: ۳۱). در رویکرد اخیر، فرهنگ برای گروه‌های مختلف و در مکان‌ها و در زمان‌های متفاوت، معانی و ارزش‌های گوناگونی دارد (شکوئی، ۱۳۸۴: ۲۰۵). جامعه‌شناسان و صاحب‌نظران جغرافیای انسانی بر این باورند که فضا از جهان مادی ساخته بشر و جهان طبیعی تشکیل شده است و زمانی که افراد، گروه‌ها یا فرایندهای فرهنگی به آن معنا ببخشند، به مکان تبدیل می‌شود (بیگدلی و شریفی، ۱۳۸۷: ۲۳۹). می‌توان گفت مکان با تأثیرپذیری از فرهنگ، اجزا و عناصر آن، مانند اعتقادات دینی، هنر، فناوری، ارزش‌ها، سیاست و اقتصاد ساخته می‌شود (رضوانی و احمدی، ۱۳۸۸: ۵۳). همچنین فضایی محسوب می‌شود که برای فرد یا گروهی از مردم معنادار باشد (میرغلامی و آیشم، ۱۳۹۵: ۷۰) (آیشم و میرغلامی، ۱۳۹۵: ۷۰). تعامل میان فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و جوامع در زمینه‌های مختلف فکری، علمی، رفتاری و فناوری، امری محتوم و غیرقابل‌انکار و البته ضرورت جامعه بشری است (نقی‌زاده، ۱۳۹۴: ۹۰). از سوی دیگر، فرهنگ، اکتسابی، مشترک، نمادین، دارای شمول همگانی و جامع است (Kottak, 2002: 268-270). ویژگی‌های فرهنگی جامعه مانند روحی در کالبد مکان نفوذ می‌کنند، در آن تجلی می‌یابند و در بستر مکانی و فضایی نمایان می‌شوند. برای درک تعامل فرهنگ و مکان، باید به فعالیت‌های انسان در مکان و فضا توجه کرد (رضوانی و احمدی، ۱۳۸۸). شهر به‌عنوان بستر تبلور، مجموعه‌ای فرهنگی-کالبدی است که براساس نیازها، فعالیت‌ها و رفتارهای ساکنان آن شکل گرفته است (پاکزاد، ۱۳۹۱). ساختار شهر خوب، به‌گونه‌ای است که اتصال میان فرهنگ‌های مختلف را محقق و تسهیل کند. در الگوی مونگومری، توسعه شهرها در دوره‌های گوناگونی رخ می‌دهد. برای موفقیت در هر یک از دوره‌ها باید بتوان در شهر میان سه فاکتور متفاوت، یعنی اقتصاد خلاق و پویا، حیات فرهنگی و نوآورانه، و فرم کالبدی سازگار با فعالیت‌ها توازن برقرار کرد (گل‌کار، ۱۳۹۰). کاستی مهم در نظریات اخیر درباره مفهوم مکان این است که به مکان از دیدگاه فرهنگ، به‌ویژه از جنبه بین‌فرهنگی توجه نشده است (براتی، ۱۳۹۴: ۴). میدان نقش‌جهان اصفهان، یکی از میدان‌های تاریخی مطرح جهان است که از نظر معماری و طراحی شهری، ویژگی‌های برجسته‌ای دارد (شهبازی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۵). در این میدان، تا حدودی سه فاکتور اقتصاد خلاق و پویا، حیات فرهنگی و نوآورانه و فرم کالبدی سازگار با فعالیت‌ها نمایان شده و از این نظر به‌عنوان مکانی با مشخصه‌های بینا فرهنگی در عرصه ابعاد شهری، منطقه‌ای و بین‌المللی ایفای نقش کرده است. با توجه به مسائل فوق، پرداختن به این‌گونه مطالعات در شناخت مباحث بین‌فرهنگی و مشخصه‌های آثار تاریخی-فرهنگی کشور تأثیر بسزایی دارد. علاوه بر این، میدان نقش‌جهان عنصری فرهنگی است که نه تنها به‌عنوان نشانه، بخشی از فرهنگ را نمایان می‌کند، بلکه به‌مثابه الگویی در ذهن فرهنگ جهانی هم ثبت می‌شود. کل شهر و بقیه فضاهای اصلی، از میدان به‌عنوان الگوی اصلی و مرکزی تبعیت می‌کنند (پنج‌تنی و همکاران، ۱۳۹۶).

زبان شهرسازی بخش قدیمی اصفهان، یعنی مجموعه نقش‌جهان، مانند هر اثر هنری دیگر، پیام‌های فرهنگی دوره خود را انتقال می‌دهد؛ یعنی مقولات فرهنگی را نمادین می‌کند (حبیب، ۱۳۸۸: ۸۴). می‌توان این عنصر فرهنگی را به‌دلیل جهانی‌بودنش، به‌عنوان مکانی با رویکرد بینا فرهنگی بررسی کرد. در این پژوهش، میدان نقش‌جهان اصفهان از

چهار بعد مکان با رویکرد بینا فرهنگی (توان- ظرفیت ماندگاری، توان- ظرفیت تعاملی و تکاملی، توان- ظرفیت جذب و توان- ظرفیت رویدادی) ارزیابی شده است.

اهمیت و ضرورت

اهمیت و ضرورت این پژوهش در بررسی چند مقوله محوری مکان، ابعاد بینا فرهنگی و جایگاه میدان نقش جهان است. در مقوله مکان، به ابعاد تجربی، رفتاری و عملی مکان در بسترهای شهری، با تأکید بر زمینه ایرانی و مشخصه‌های آن توجه شده است. در مقوله ابعاد بینا فرهنگی، نگاهی چندوجهی و چندبعدی به مقوله‌های فضایی و مکانی صورت گرفته است. در مقوله میدان نقش جهان نیز اهمیت پرداخت به آن و شناسایی ظرفیت مکان‌های تاریخی- فرهنگی برای بهره‌برداری بین‌المللی و راهبردهای فرهنگی- اجتماعی و اقتصادی مدنظر بوده است. یافته‌های پژوهش حاضر در معرفی بهتر ابعاد بینا فرهنگی میدان نقش جهان اصفهان تأثیرگذار است. تصمیم‌گیران شهری نیز می‌توانند با تکیه بر این ابعاد، اقدامات لازم را برای توسعه میدان و جذب گردشگر از سراسر جهان انجام دهند. همچنین در طرح این ابعاد می‌توان میدان نقش جهان اصفهان را نمادی از فرهنگ غنی و نیز مؤلفه‌ای جاذب فرهنگ‌های مختلف در عرصه‌های بین‌المللی دانست و از نظر فرهنگی، این مکان را به عنصری نشان‌دار از تاریخ و فرهنگ ایران تبدیل کرد.

هدف‌های پژوهش

بنابر اهمیت مسئله و ضرورت‌های مطرح‌شده، اهداف اصلی و فرعی این پژوهش عبارت‌اند از:

هدف اصلی: مدل‌سازی ساختاری ابعاد مکان (میدان نقش جهان اصفهان) با رویکرد بینا فرهنگی.

اهداف فرعی:

- تحلیل عاملی تأییدی ابعاد مکان با رویکرد بینا فرهنگی به منظور برآورد میزان برازش ابعاد نظری با مشاهدات؛
- تبیین نظری ارتباط ابعاد چهارگانه مکان با رویکرد بینا فرهنگی؛
- ارائه راهکارهای لازم برای بهبود و کاربست ظرفیت‌های مکان (میدان نقش جهان اصفهان) با رویکرد بینا فرهنگی.

پیشینه پژوهش

ادبیات تحقیق درباره چهار بعد مکان، با رویکردی بینا فرهنگی معرفی می‌شود. این ابعاد عبارت‌اند از: توان- ظرفیت ماندگاری، توان- ظرفیت تعاملی و تکاملی، توان- ظرفیت جذب و توان- ظرفیت رویدادی.

شعله و همکاران (۱۳۹۶) با هدف بسط روش‌شناسی شاخص کیفیت طراحی، به مطالعه «کاربست روش سنجش شاخص کیفیت طراحی مکان در ارزیابی تطبیقی فضاهای تاریخی- فرهنگی: بررسی موردی دو فضای تاریخی بافت قدیم شیراز» پرداختند. در این پژوهش، در بسط روش‌شناسی، ضمن توجه به پیشینه نظری انگاره مکان، از تناظر مؤلفه‌های

«اصالت و ارزش نسبی»، «یکپارچگی کالبدی» و «سرزندگی اقتصادی» با سه‌گانه مدل، مدلی با عنوان PDQI یا روش سنجش «شاخص کیفیت طراحی مکان» پیشنهاد شد. مطابق یافته‌ها، فضای مقابل آرامگاه سبویه، از فضای مقابل مسجد مشیر، بالقوه بیشتری در تبدیل شدن به فضایی با تشخیص مکانی و بارزمنندی‌های بنیانی متمایز دارد. نقطه قوت این مکان، مؤلفه «سرزندگی اقتصادی» است که به دلیل برپایی برنامه‌های فرهنگی-هنری به صورت هفتگی در فضای مقابل آرامگاه سبویه به وسیله دفتر تسهیل‌گیری بافت تاریخی، به نوعی جان دوباره به این فضای شاخص تاریخی بخشیده است.

شفیعیان و همکاران (۱۳۹۳) در بررسی «مفهوم ماندگاری در معماری اسلامی و مقایسه آن با مفهوم پایداری در معماری معاصر» نمونه آثار ارزشمند معماری ایران از جمله میدان نقش جهان اصفهان را بررسی کردند. براساس یافته‌های این پژوهش، آنچه در معماری ایرانی سبب ماندگاری بنا می‌شود، توجه به ابعاد معنوی در معماری و نمود اعتقادات و فرهنگ مردم جامعه در معماری است که با حضور انسان تکامل می‌یابد و در ورای زمان ماندگار می‌شود. ممکن است انگاره‌های معنوی و وجود فضای روحانی در معماری بنا، به همراه ویژگی‌های فرهنگی و توجه به حضور مؤثر انسان در فضا در ماندگاری بنا مؤثر باشند. در نهایت، در این پژوهش عوامل مؤثر بر ماندگاری اثر یا بنا عبارت است از: معنا، فرهنگ، حس تعلق، نیازمندی‌های اساسی انسان، کهن‌الگوها، احترام به طبیعت، توجه به مبانی زیبایی‌شناسی، نوآوری در عصر مربوط به آن و منحصربه‌فرد بودن اثر. در این پژوهش، ماندگاری نوعی تداوم تاریخی و فرهنگی به همراه زنده‌بودن بناست.

رضوانی و احمدی (۱۳۸۸) در مطالعه «مکان و نقش فرهنگ در شکل‌گیری هویت مکانی» به نقش فرهنگ در مکان‌ها و شکل‌گیری هویت مکانی پرداختند. مطابق یافته‌ها، بررسی ماهیت فضا و مکان و تعامل آن با فرهنگ ضروری است؛ زیرا غفلت از این موضوع مانع شناخت جامع مکان و فرهنگ خواهد بود. جریان در مکان و فضا اهمیت خاصی دارد؛ زیرا موجب رشد و توسعه فرهنگ در مکان‌ها می‌شود و نقش‌های جدیدی به آن می‌دهد. مکان و فرهنگ، پیوسته با هم در ارتباطند؛ زیرا هر مکان بستری برای روابط متقابل انسان‌هاست و از خاستگاه‌های فرهنگ به‌شمار می‌آید. مکان‌ها و چشم‌اندازهای مستقر در آن‌ها، از فرهنگ جوامع در دوره‌های زمانی گوناگون تأثیر می‌پذیرند. در این پژوهش، ارزش فرهنگی مکان در شش محور یا ارزش تبیین شده است که عبارت‌اند از: زیبایی‌شناختی، معنوی، اجتماعی، تاریخی، نمادین و نیز محور اصالت. براین اساس، سطح توسعه مکان‌ها براساس قدرت فرهنگ جامعه تعیین می‌شود.

براتی (۱۳۹۴) در «تعریفی معناشناسانه-فرهنگی از مکان» به این پرسش پاسخ داد که چگونه می‌توان به تشریح جامعی از مفهوم مکان دست یافت که هم‌زمان تجربیات و انتظارات انسانی، و ابعاد اجتماعی و فرهنگی را مدنظر قرار دهد. بنابر یافته‌های این پژوهش، هویت مکان با تفسیر مصرف‌کننده از عوامل کالبدی‌اش، همچنین فعالیت‌ها، رویدادها و موقعیت‌هایش از طریق کدهای فرهنگی و قراردادهای اجتماعی مصرف‌کننده تعریف می‌شود. حس مکان نیز با ادراک‌های فرهنگی مصرف‌کننده براساس کدهای اجتماعی و فرهنگی صورت می‌گیرد؛ بنابراین، خصوصیت ذاتی از یک مکان وجود ندارد و ممکن است مفهوم و حس مکان در میان فرهنگ‌های مختلف متفاوت باشد؛ درحالی‌که می‌توان درباره ارتباط بین فرهنگی بحث کرد که افراد همیشه بین کدهای فرهنگی مربوط به مکان ارتباط برقرار کنند.

زبان مردم به‌عنوان سیستمی معناشناسانه، عمدتاً ادراک‌ها، عادات، خواسته‌ها و ارزش‌های فرهنگی آنان را انعکاس می‌دهد. مکان برای ایرانی‌ها پدیده‌ای مقدس و روحانی است که می‌تواند بودن خود را با آن در زمان تجربه کند.

همچنین پدیده‌ای فرهنگی است که باید در چارچوب فرهنگی خاص مطالعه شود. مکان‌ها در فرهنگی ویژه واکنش نشان می‌دهند و هم‌زمان از علائق و ارزش‌های مردمی که در آن فرهنگ-جامعه زندگی می‌کنند، تأثیر می‌پذیرند و بر آن تأثیر می‌گذارند. این پدیده، متنی با لایه‌های مختلف است و این لایه‌ها از نشانه‌های قابل درک و قابل تفسیر به‌وسیله کدها یا قراردادهای فرهنگی تشکیل شده‌اند. از این نظر، مکان پدیده‌ای تعریف‌شده و مشخص با معانی ثابت و قطعی نیست.

پنج‌تنی و همکاران (۱۳۹۶) در «پدیدارشناسی تجربه زیباشناختی مکان: مطالعه موردی میدان نقش جهان» مفهوم زیبایی را از خلال تجربه زیسته انسان‌ها بررسی کردند. در واقع، پرسش پژوهش این بود که معنای تجربه زیبایی‌شناختی مشارکت‌کنندگان از میدان نقش جهان چیست. یکی از نتایج مهم این پژوهش، تبیین مؤلفه‌های سازنده ادراک زیبایی مشارکت‌کنندگان براساس تجربه زیسته آن‌هاست. همچنین در این پژوهش، برای نخستین بار مؤلفه‌هایی نمایان شد که از قبل برای آن‌ها شواهد نظری موجود نبود. در این پژوهش مشخص شد که میدان نقش جهان به‌عنوان مکان معمارانه مشخص، ویژگی‌های منحصربه‌فردی دارد که برای افراد به‌مثابه یک متن، اثر هنری و حتی اسطوره، ایجادکننده تجربه زیبایی‌شناختی است. در واقع، میدان نقش جهان عنصری فرهنگی است که به‌دلیل جهانی‌بودنش، برای بازدیدکنندگان به‌دلیل ملاقات با دیگری، امکان تحقق تجربه زیبایی‌شناختی را فراهم می‌کند.

با توجه به پیشینه می‌توان نوآوری پژوهش حاضر را در تبیین مکان با رویکرد بینا فرهنگی دانست که برای نخستین بار انجام می‌شود. همچنین گنجاندن مدل چهاربعدی مکان با رویکرد بینا فرهنگی و آزمون آن، دیگر نوآوری این پژوهش به‌شمار می‌آید.

پرسش‌های پژوهش

۱. آیا ابعاد مطرح‌شده برای مکان با رویکرد بینا فرهنگی، برازش لازم را با مشاهدات تجربی دارد؟ به تعبیر دیگر، آیا مشاهدات ابعاد استخراج‌شده را تأیید می‌کند؟
۲. چه ارتباطی میان ابعاد مکان با رویکرد بینا فرهنگی وجود دارد؟
۳. چه راهکارهایی را می‌توان برای کاربست ظرفیت‌های میدان نقش جهان اصفهان، به‌عنوان مکانی با رویکرد بینا فرهنگی مطرح کرد؟

روش پژوهش

مدل و روابط فرضی با استفاده از اطلاعات گردآوری‌شده از بازدیدکنندگان میدان نقش جهان اصفهان در تعطیلات نوروز آزموده شد. این مکان به این علت انتخاب شد که علاوه بر جاذبه تاریخی و گردشگری، از نظر عناصر فرهنگی مانند بازارچه‌ها و بناهای تاریخی و فرهنگی، قابلیت این را دارد که به‌عنوان مکانی با رویکرد بینا فرهنگی مطرح شود. دلیل انتخاب تعطیلات نوروز برای مصاحبه این بود که میدان نقش جهان در روزهای تعطیل، به‌ویژه در ایام نوروز، پذیرای گردشگران مختلفی از اقصی نقاط کشور، همچنین گردشگران خارجی است. در انتخاب مصاحبه‌شوندگان، ویژگی‌های مختلفی از قبیل جنسیت، سن و میزان تحصیلات مدنظر قرار گرفت. انتخاب نمونه‌ها به‌صورت سیستماتیک بود و

پرسشگران در چهار گوشه میدان در دو مقطع زمانی صبح و عصر با مسافران و بازدیدکنندگان بومی و غیربومی مصاحبه کردند. در پژوهش حاضر، صرفاً با گردشگران داخلی مصاحبه شد که شاید این امر یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر بود. از این رو می‌توان در پژوهش‌های آینده با پیش‌بینی‌های لازم از قبیل بازگرداندن پرسشنامه به چند زبان اصلی دنیا، یا استفاده از مترجم بر این محدودیت فائق آمد. علت انتخاب صبح و عصر برای مصاحبه، شرایط مناسب آب‌وهوایی برای مصاحبه در فضای آزاد، نشاط و کسالت‌ناداشتن پاسخگویان بود. به‌طور متوسط، برای تکمیل هر پرسشنامه ۲۰ دقیقه زمان صرف شد و در مجموع، تکمیل همه پرسشنامه‌ها ۱۰۰-۱۲۰ ساعت زمان برد. پرسشگران این پژوهش، افراد آموزش‌دیده و خبره‌ای بودند که توانایی برقراری ارتباط مؤثر را با گردشگران داشتند. گردآوری اطلاعات در قالب پرسشنامه محقق‌ساخته‌ای بود که در آن، پرسش‌ها و ابعاد مدل نظری پژوهش حاضر وجود داشت. تمامی گویه‌ها و پرسش‌های پرسشنامه، از روایت‌های پاسخگویان در مصاحبه عمیق گرفته شد و با اندکی تغییر در ساختار جمله‌بندی در پرسشنامه قرار گرفت. در واقع، می‌توان گفت پژوهش حاضر با هدف آزمون مدل نظری مکان با رویکرد بینا فرهنگی انجام شد. تمامی پرسش‌ها در مقیاسی پنج‌گزینه‌ای (از بسیار کم تا بسیار زیاد) طراحی شد. جامعه آماری شامل افراد ۱۸ سال به بالای حاضر در میدان نقش جهان در ایام گردآوری اطلاعات بود. براساس تجارب پژوهش‌های پیشین، تعداد افراد نمونه ۳۵۰ نفر بود که در نهایت ۳۲۰ نفر در پژوهش باقی ماندند. پرسشنامه‌ها در مدت تقریباً ۱۰ روز تکمیل شدند. تا حد امکان پرسش‌ها به گونه‌ای طراحی شد که در محدوده زمانی اندک بتوان به آن‌ها پاسخ داد؛ زیرا پاسخگویان در میدان نقش جهان فرصت زیادی برای پاسخگویی نداشتند و اغلب آن‌ها رهگذرانی بودند که شاید دیدار مجدد با آن‌ها امکان‌پذیر نبود. همچنین تعداد پرسش‌ها به گونه‌ای بود که بتوان در زمان اندک به آن‌ها پاسخ داد. مصاحبه شفاهی بود و پرسشگران وظیفه داشتند هنگام مصاحبه، بخش‌های مبهم پرسشنامه را برای پاسخگویان توضیح دهند.

مصاحبه با ۳۵۰ نفر از بازدیدکنندگان صورت گرفت. از میان پرسشنامه‌ها، سی پرسشنامه به دلایل مختلف قابل استفاده نبودند و در نهایت پاسخ‌های ۳۲۰ نفر تحلیل شدند. پرسشگران پس از اتمام هر مصاحبه، با یکی از سه نفری که از نزدیک‌ترین ورودی میدان وارد می‌شدند، مصاحبه می‌کردند. البته به پرسشگران آموزش داده شده بود تا در انتخاب نمونه‌ها به ملاک‌هایی از قبیل جنسیت، سن، مدت حضور مخاطبان در میدان و تمایل به پاسخگویی توجه داشته باشند. در این پژوهش، ۵۰ درصد از پاسخگویان را زنان و ۵۰ درصد را مردان تشکیل می‌دهند. میانگین سنی پاسخگویان ۳۴/۵ سال است و پاسخگویان ۲۸ ساله بیشترین تعداد را تشکیل می‌دهند. مدرک تحصیلی ۱۰ درصد از پاسخگویان زیردیپلم، ۱۲/۲ درصد دیپلم، ۷/۲ درصد فوق‌دیپلم، ۴۶/۹ درصد لیسانس، ۲۳/۴ درصد فوق‌لیسانس و ۰/۳ درصد (۱ نفر) دکتری است.

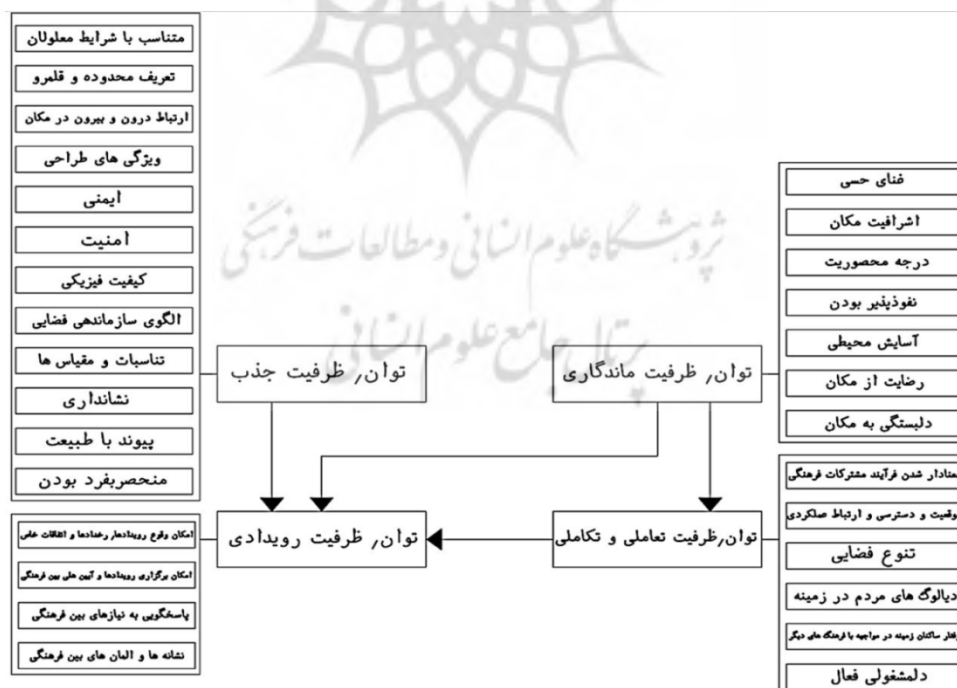
محدوده مورد مطالعه

میدان نقش جهان اصفهان یا همان میدان امام، از بناهای عصر صفوی است (امین‌پور و همکاران، ۱۳۹۵). این میدان مستطیل‌شکل به درازای ۵۰۷ متر و پهنای ۱۵۸ متر در مرکز شهر اصفهان قرار دارد. میدان نقش جهان در ۸ بهمن ۱۳۱۳ در فهرست آثار ملی ایران ثبت شد و در اردیبهشت ۱۳۵۸ جزء نخستین آثار ایرانی بود که به‌عنوان میراث جهانی یونسکو به ثبت جهانی رسید. این میدان که پس از انقلاب اسلامی نام رسمی آن میدان امام شد، مانند زنجیری چهار اثر تاریخی

بی‌نظیر را به هم پیوند داده است: مسجد شیخ لطف‌الله، مسجد امام اصفهان، سردر قیصریه و بازار قیصریه اصفهان، و کاخ عالی‌قاپو (زارع، ۱۳۹۰؛ ابراهیم‌پور، ۱۳۹۶). علاوه بر این بناها، دویست حجره دوطبقه پیرامون میدان واقع شده است که عموماً جایگاه عرضه صنایع دستی اصفهان محسوب می‌شود و علاوه بر وجه تاریخی، محبوبیت خاصی میان گردشگران داخلی و خارجی دارد (ابراهیم‌پور، ۱۳۹۳؛ سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۸۷). میدان نقش جهان، نه تنها نقطه کانونی محیط اطراف خود، بلکه کانون شهر جدید صفوی به حساب می‌آید و هنوز هم در شهرسازی جدید، کانونی بودن خود را حفظ کرده است (پنج‌تنی و همکاران، ۱۳۹۶). این میدان عملاً به منزله شاخص‌ترین فضای زنده همگانی شهر تاریخی اصفهان بارها مورد توجه ویژه سیاحان و مورخان بوده (راداحمدی، ۱۳۹۰) و در واقع، با توجه به نتایج این پژوهش، مکانی با رویکرد بینا فرهنگی است.

فرایند مدل‌سازی

مدل نظری پژوهش حاضر، شامل ابعاد اصلی و ابعاد فرعی است که در شکل ۱ دیده می‌شود. ضرایب پایایی (آلفای کرونباخ) بیانگر پایایی مناسب عوامل شناسایی شده است. برای سنجش میزان اعتبار ابزار پژوهش، از اعتبار سازه^۱ و برای اجرای این آزمون، از مدل تحلیل عاملی تأییدی^۲ استفاده شد که می‌توان نتایج آن را در شکل ۲ مشاهده کرد. براساس ضرایب بارهای عاملی این مدل، از نظر اعتبار سازه‌ای وضعیت عامل‌های پژوهش، مناسب و تقریباً بیشتر ضرایب بارهای عاملی قابل قبول است. همچنین شاخص‌های نیکویی برازش، مطابق آنچه در فرضیه اول مطرح شد، مطلوب به شمار می‌آید.



شکل ۱. مدل نظری تحقیق

1. Construct Validity
2. Confirmatory Factor Analysis Model

جدول ۱. ابعاد اصلی و فرعی مدل مکان با رویکرد بینا فرهنگی

مقدار پایایی (آلفای کرونباخ)	ویژگی‌ها/زیرویژگی‌ها	ابعاد
۰/۸۷	امکان وقوع رویدادها و اتفاقات خاص (D1) امکان برگزاری رویدادها و آیین‌های بین فرهنگی (D2) پاسخگویی به نیازهای بین فرهنگی (D3) نشانه‌ها و المان‌های بین فرهنگی (D4)	توان-ظرفیت رویدادی (R)
۰/۸۷	دل‌بستگی به مکان (A1) رضایت از مکان (A2) آسایش محیطی (A3) نفوذپذیر بودن (A4) درجه محصوریت (A5) اشرافیت مکان (A6) غنای حسی (A7)	توان-ظرفیت ماندگاری (M)
۰/۹۱	معنادرشدن فرایند مشترکات فرهنگی (B1) موقعیت، دسترسی و ارتباط عملکردی (B2) تنوع فضایی (B3)	توان-ظرفیت تعاملی و تکاملی (T)
۰/۹۰	منحصربه‌فرد بودن (C1) پیوند با طبیعت (C2) نشان‌داری (C3) تناسبات و مقیاس‌ها (C4) الگوی سازماندهی فضایی (C5) کیفیت فیزیکی (C6) امنیت (C7) ایمنی (C8) ویژگی‌های طراحی (C9) ارتباط درون و بیرون در مکان (C10) تعریف محدوده و قلمرو (C11) تناسب با شرایط معلولان (C12)	توان-ظرفیت جذب (J)

منبع: یافته‌های تحقیق

به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش، از مدل‌سازی معادلات ساختاری^۱ (قاسمی، ۱۳۹۲؛ حسینی و ابارشی، ۱۳۹۱) و نرم‌افزار LISREL 8.50 استفاده شد. این مدل شامل دو بخش مدل اندازه‌گیری^۲ و مدل ساختاری^۳ است. مدل اندازه‌گیری بیانگر روابط

1. Structural Equation Modeling (SEM)
2. Measurement Model
3. Structural Model

علی بین سنجه‌ها و روش‌های عملیاتی کردن^۱ متغیرها با معرف‌های^۲ خود است. مدل بخش ساختاری نیز نشان‌دهنده ارتباط علی سازه‌های اصلی مدل با یکدیگر است. اجزای این مدل در شکل ۳ نشان داده شده است. در مدل مذکور، هریک از سازه‌ها در داخل یک بیضی و هر کدام از ابعاد سازنده آن‌ها در داخل مربع قرار گرفته است. فلش‌هایی که بیضی‌ها را به مربع‌ها وصل می‌کنند، بیانگر قسمت اندازه‌گیری مدل‌اند و فلش‌هایی که بیضی‌ها را به یکدیگر متصل می‌کنند، بخش ساختاری مدل را نشان می‌دهند. به منظور ارزیابی میزان برازش مدل، از آزمون‌های برازش مختلفی از قبیل RMSEA، CHI-SQUARE، GFI، PGFI، NFI و PNFI بهره گرفته شده که در جدول ۶ مقادیر مختلف آن نشان داده شده است.

فراوانی هریک از زیرابعاد اصلی به تفکیک در جدول‌های ۲ و ۵ ذکر شده است. همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد، ۵۰/۲ درصد از پاسخگویان میزان دل‌بستگی خود را به مکان (A1) کم و بسیار کم می‌دانند. ۳۵ درصد، این میزان را متوسط و ۱۵/۳ آن را زیاد و بسیار زیاد تلقی می‌کنند. ۱۵/۹ درصد از پاسخگویان زیربعد رضایت از مکان (A2) را کم و بسیار کم، ۳۹/۴ درصد متوسط و ۴۳/۸ زیاد و بسیار زیاد اعلام می‌کنند. ۱۸/۵ درصد از پاسخگویان میزان آسایش محیطی (A3) را کم و بسیار کم، ۳۹/۱ درصد متوسط و ۳۱ درصد زیاد و بسیار زیاد ارزیابی می‌کنند. ۳۰/۶ درصد از پاسخگویان میزان نفوذپذیر بودن مکان (A4) را کم و بسیار کم، ۳۴/۱ درصد متوسط و ۳۴/۷ درصد زیاد و بسیار زیاد می‌دانند. ۳۲/۲ درصد از پاسخگویان درجه محصوریت (A5) را کم و بسیار کم، ۴۸/۱ درصد متوسط و ۱۸/۸ درصد زیاد و بسیار زیاد ارزیابی می‌کنند. ۳۲/۲ درصد از پاسخگویان میزان اشرافیت مکان (A6) را کم و بسیار کم، ۴۸/۱ درصد متوسط و ۱۸/۸ درصد زیاد و بسیار زیاد می‌دانند. ۵۷/۲ درصد از پاسخگویان غنای حسی مکان (A7) را کم و بسیار کم، ۲۵/۹ درصد متوسط و ۱۵/۹ درصد زیاد و بسیار زیاد می‌دانند. به‌طور کلی می‌توان درباره این شاخص گفت پاسخگویان غیر از زیرابعاد دل‌بستگی مکان و غنای حسی، در بقیه زیرابعاد توان-ظرفیت ماندگاری وضعیت میدان نقش‌جهان را مطلوب ارزیابی نمی‌کنند.

جدول ۲. توزیع فراوانی عامل توان-ظرفیت ماندگاری (M)

	A7		A6		A5		A4		A3		A2		A1	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
بسیار کم	۳۳/۱	۱۰۶	۱۱/۳	۳۶	۱۱/۳	۳۶	۱۲/۲	۳۹	۶/۶	۲۱	۵/۹	۱۹	۱۸/۴	۵۹
کم	۲۴/۱	۷۷	۲۰/۹	۶۷	۲۰/۹	۶۷	۱۸/۴	۵۹	۱۱/۹	۳۸	۱۰/۰	۳	۳۱/۳	۱۰۰
تا حدودی زیاد	۲۵/۹	۸۳	۴۸/۱	۱۵۴	۴۸/۱	۱۵۴	۳۴/۱	۱۰۹	۳۹/۱	۱۲۵	۳۹/۴	۱۲۶	۳۵/۰	۱۱۲
زیاد	۱۲/۸	۴۱	۱۳/۸	۴۴	۱۳/۸	۴۴	۲۶/۹	۸۶	۲۹/۱	۹۳	۲۸/۸	۹۲	۱۲/۵	۴۰
بسیار زیاد	۳/۱	۱۰	۵/۰	۱۶	۵/۰	۱۶	۷/۸	۲۵	۱۱/۹	۳۸	۱۵/۰	۴۸	۲/۸	۹

منبع: یافته‌های تحقیق

1. Operationalization
2. Indicators

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، ۱۸/۱ درصد از پاسخگویان میزان معنادارشدن فرایند مشترکات فرهنگی (B1) را کم و بسیار کم، ۳۴/۱ درصد متوسط و ۴۷/۵ درصد زیاد و بسیار زیاد می‌دانند. ۱۸/۷ درصد از پاسخگویان میزان دسترسی و ارتباط عملکردی (B2) را کم و بسیار کم، ۲۸/۴ درصد متوسط و ۵۱/۹ درصد آن را زیاد و بسیار زیاد به‌شمار می‌آورند. همچنین ۲۵/۹ درصد از پاسخگویان میزان تنوع فضایی (B3) را کم و بسیار کم، ۳۴/۱ درصد متوسط و ۳۹/۷ درصد زیاد و بسیار زیاد می‌دانند. به‌طور کلی، براساس نتایج جدول ۳، میدان نقش‌جهان اصفهان از نظر زیرابعاد توان-ظرفیت تعاملی و تکاملی وضعیت مطلوبی دارد.

جدول ۳. توزیع فراوانی زیر ابعاد عامل توان-ظرفیت تعاملی و تکاملی (T)

B3		B2		B1		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۷/۵	۲۴	۵/۳	۱۷	۷/۲	۲۳	بسیار کم
۱۸/۴	۵۹	۱۳/۴	۴۳	۱۰/۹	۳۵	کم
۳۴/۱	۱۰۹	۲۸/۴	۹۱	۳۴/۱	۱۰۹	تا حدودی
۲۸/۴	۹۱	۳۶/۶	۱۱۷	۳۱/۶	۱۰۱	زیاد
۱۱/۳	۳۶	۱۵/۳	۴۹	۱۵/۹	۵۱	بسیار زیاد

منبع: یافته‌های تحقیق

همان‌طور که جدول ۴ نشان می‌دهد، ۲/۱ درصد از پاسخگویان میزان منحصربه‌فرد بودن (C1) را کم و بسیار کم، ۸/۴ درصد متوسط و ۸۹/۳ درصد زیاد و بسیار زیاد می‌دانند. ۲/۲ درصد از پاسخگویان پیوند با طبیعت (C2) را کم و بسیار کم، ۹/۴ درصد متوسط و ۸۶/۹ آن را زیاد و بسیار زیاد می‌دانند. ۱/۲ درصد از پاسخگویان میزان نشان‌داری (C3) را کم و بسیار کم، ۱۱/۶ درصد متوسط و ۸۷/۲ درصد زیاد و بسیار زیاد محسوب می‌کنند. ۱/۵ درصد از پاسخگویان میزان تناسبات و مقیاس (C4) را کم و بسیار کم، ۱۷/۵ درصد متوسط و ۴۹/۷ درصد زیاد و بسیار زیاد می‌دانند. ۶/۶ درصد از پاسخگویان الگوی سازماندهی فضایی (C5) را کم و بسیار کم، ۱۹/۱ درصد متوسط و ۷۴/۴ درصد زیاد و بسیار زیاد ارزیابی می‌کنند. ۲/۸ درصد از پاسخگویان میزان کیفیت فیزیکی (C6) را کم و بسیار کم، ۱۱/۳ درصد متوسط و ۸۶ درصد زیاد و بسیار زیاد می‌دانند. ۲/۲ درصد از پاسخگویان میزان امنیت مکان (C7) را کم و بسیار کم، ۱۲/۵ درصد متوسط و ۸۵/۳ درصد زیاد و بسیار زیاد می‌دانند. ۶/۹ درصد از پاسخگویان، ایمنی (C8) را کم و بسیار کم، ۳۰/۹ درصد متوسط و ۶۲/۲ آن را زیاد و بسیار زیاد می‌پندارند. ۱/۲ درصد از پاسخگویان ویژگی‌های طراحی مکان (C9) را کم و بسیار کم، ۷/۵ درصد متوسط و ۹۰/۹ درصد زیاد و بسیار زیاد می‌دانند. ۲/۵ درصد از پاسخگویان میزان ارتباط درون و بیرون در مکان (C10) را کم و بسیار کم، ۱۶/۶ درصد متوسط و ۸۱ درصد زیاد و بسیار زیاد محسوب می‌کنند.

۱/۹ درصد از پاسخگویان محدوده و قلمرو (C11) را کم و بسیار کم، ۱۲/۲ درصد متوسط و ۸۵/۴ درصد زیاد و بسیار زیاد می‌دانند. ۲/۹ درصد از پاسخگویان متناسب‌بودن مکان برای معلولان (C12) را کم و بسیار کم، ۵ درصد متوسط و ۸۲/۲ درصد زیاد و بسیار زیاد می‌دانند. به‌طور کلی، درمورد این شاخص می‌توان گفت در همه زیرابعاد توان-ظرفیت جذب، پاسخگویان وضعیت میدان نقش‌جهان را بسیار مطلوب ارزیابی می‌کنند.

جدول ۴. توزیع فراوانی زیرابعاد عامل توان-خرفیت جذب (J)

C12	C11		C10		C9		C8		C7		C6		C5		C4		C3		C2		C1			
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد		
۱/۳	۴	۰/۶	۲	۰/۳	۱	۰/۶	۲	۱/۶	۵	۰/۶	۲	۰/۹	۳	۱/۳	۴	۰/۶	۲	۰/۶	۲	۱/۹	۶	۰/۳	۱	بسیار کم
۱/۶	۵	۱/۳	۴	۲/۲	۷	۰/۶	۲	۳/۵	۱۷	۶/۱	۵	۱/۹	۶	۵/۳	۱۷	۰/۹	۳	۰/۶	۲	۰/۳	۱	۹/۱	۶	کم
۱۵/۰	۴۸	۱۲/۲	۳۹	۱۶/۶	۵۳	۷/۵	۲۴	۳۰/۹	۹۹	۱۲/۵	۴۰	۱۱/۳	۳۶	۱۹/۱	۶۱	۱۷/۵	۵۶	۱۱/۶	۳۷	۹/۴	۳۰	۸/۴	۲۷	تا حدودی
۳۹/۱	۱۲۵	۳۶/۶	۱۱۷	۳۲/۲	۱۰۳	۳۲/۵	۱۰۴	۳۳/۱	۱۰۶	۳۳/۴	۱۰۷	۹/۳۶	۱۱۸	۳۷/۸	۱۲۱	۳۷/۵	۱۲۰	۳۸/۸	۱۲۴	۳۶/۹	۱۱۸	۳۳/۶	۱۰۷	زیاد
۴۳/۱	۱۳۸	۴۸/۸	۱۵۶	۴۸/۸	۱۵۶	۵۸/۴	۱۸۷	۲۹/۱	۹۳	۵۱/۹	۱۶۶	۴۹/۱	۱۵۷	۳۶/۶	۱۱۷	۴۲/۲	۱۳۵	۴۸/۴	۱۵۵	۵۰/۰	۱۶۰	۵۵/۹	۱۷۹	بسیار زیاد

منبع: یافته‌های تحقیق

همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، ۱۱/۹ درصد از پاسخگویان امکان وقوع رویدادها، رخدادها و اتفاقات خاص (D1) را کم و بسیار کم، ۲۶/۹ درصد متوسط و ۶۰/۶ زیاد و بسیار زیاد می‌دانند. ۱۷/۲ درصد از پاسخگویان امکان برگزاری رویدادها و آیین‌های بین‌فرهنگی (D2) را کم و بسیار کم، ۲۸/۸ درصد متوسط و ۴۷/۸ زیاد و بسیار زیاد می‌پندارند. ۱۹/۴ درصد از پاسخگویان میزان پاسخگویی به نیازهای بین‌فرهنگی (D3) را کم و بسیار کم، ۳۲/۵ درصد متوسط و ۴۷/۸ درصد زیاد و بسیار زیاد می‌دانند. ۱۶/۹ درصد از پاسخگویان تعداد المان‌های بین‌فرهنگی (D4) را کم و بسیار کم، ۲۸/۴ درصد متوسط و ۵۳/۲ درصد زیاد و بسیار زیاد می‌دانند. به‌طور کلی، پاسخگویان وضعیت میدان نقش‌جهان را از نظر همه زیرابعاد توان-ظرفیت رویدادی مطلوب ارزیابی می‌کنند.

در جدول ۵ و شکل ۲، وضعیت توزیع آماری چهار معیار مکان با رویکرد بین‌فرهنگی نشان داده شده است. ارقام میانگین، حاصل میانگین تمامی زیرابعاد هر یک از معیارهاست. براساس جدول ۵، معیار توان-ظرفیت جذب با میانگین ۵۱/۰۷ و انحراف استاندارد ۷/۰۷ بهترین وضعیت را در میان تمامی معیارها دارد و پاسخگویان این معیار را بسیار مطلوب می‌دانند. دیگر معیارها نیز با میانگین‌هایی مطلوب و وضعیتی بالاتر از حد متوسط نشان می‌دهد که شاید میدان نقش‌جهان، تا حد مطلوبی ویژگی‌های مکانی با رویکرد بین‌فرهنگی را داشته باشد.

جدول ۵. فراوانی زیرابعاد عامل توان-ظرفیت رویدادی (R)

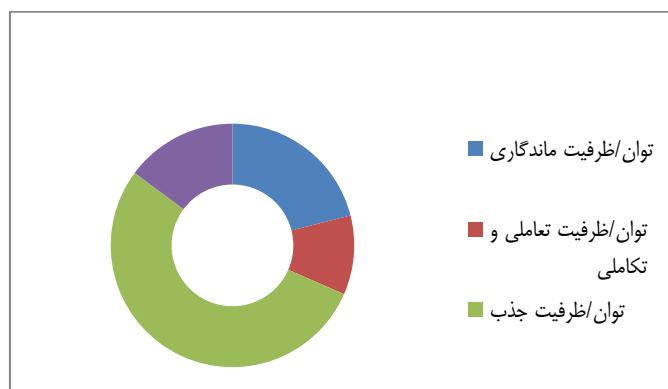
	D4		D3		D2		D1	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
بسیار کم	۱۰/۰	۳۲	۱۲/۸	۴۱	۷/۵	۲۴	۵/۳	۱۷
کم	۶/۹	۲۲	۶/۶	۲۱	۹/۷	۳۱	۶/۶	۲۱
تا حدودی	۲۸/۴	۹۱	۳۲/۵	۱۰۴	۲۸/۸	۹۲	۲۶/۹	۸۶
زیاد	۲۸/۸	۹۲	۲۸/۱	۹۰	۲۶/۹	۸۶	۳۲/۲	۱۰۳
بسیار زیاد	۲۴/۴	۷۸	۱۹/۷	۶۳	۲۶/۳	۸۴	۲۸/۴	۹۱

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول ۶. توزیع فراوانی ابعاد چهارگانه مدل مکان با رویکرد بین‌فرهنگی

توان-ظرفیت ماندگاری	تعداد	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف استاندارد
توان-ظرفیت ماندگاری	۳۰۸	۷	۳۵	۲۰/۰۵۲۲	۵/۵۰۹۸۶
توان-ظرفیت تعاملی و تکاملی	۳۱۵	۳	۱۵	۱۰/۰۱۵۹	۲/۸۸۶۸۹
توان-ظرفیت جذب	۳۱۰	۲۱	۶۰	۵۱/۰۷۱۰	۷/۰۷۳۹۱
توان-ظرفیت رویدادی	۳۱۰	۴	۲۰	۱۴/۱۴۱۹	۴/۱۸۹۵۸

منبع: یافته‌های تحقیق



شکل ۲. توزیع فراوانی ابعاد چهارگانه مدل مکان با رویکرد بینا فرهنگی

منبع: یافته‌های تحقیق

در جدول ۶ میزان هم‌بستگی چهار معیار اصلی مکان‌های بینا فرهنگی نشان داده شده است. براساس ارقام جدول، تمامی ابعاد با یکدیگر ارتباط مثبت و معنادار دارند. این موضوع نشان می‌دهد ابعاد چهارگانه مدل مکان با رویکرد بینا- فرهنگی از نظر معنایی، ارتباط و هم‌بستگی نسبتاً زیادی با یکدیگر دارند و می‌توانند در ایجاد فضای مفهومی مشترکی با هم تعامل داشته باشند.

جدول ۷. توزیع فراوانی ابعاد چهارگانه مدل مکان با رویکرد بینا فرهنگی

توان-ظرفیت ماندگاری	توان-ظرفیت تعاملی و تکاملی	توان-ظرفیت جذب	توان-ظرفیت رویدادی		
۱				Pearson Correlation	توان-ظرفیت ماندگاری
				Sig. (2-tailed)	
				N	
	۱			Pearson Correlation	توان-ظرفیت تعاملی و تکاملی
				Sig. (2-tailed)	
				N	
		۱		Pearson Correlation	توان-ظرفیت جذب
				Sig. (2-tailed)	
				N	
			۱	Pearson Correlation	توان-ظرفیت رویدادی
				Sig. (2-tailed)	
				N	

منبع: یافته‌های تحقیق

آزمون فرضیه‌ها

فرضیه اول: مکان با رویکرد بینا فرهنگی، سازه‌ای مرکب از چهار زیربعد توان-ظرفیت ماندگاری، توان-ظرفیت تعاملی و تکاملی، توان-ظرفیت جذب و توان-ظرفیت رویدادی است.
در مورد هایلایت این جدول با توجه به اینکه در فرضیه اول چون هدف بررسی رابطه‌ی علت و معلولی نیست، پس این موارد محاسبه نمی‌شود.

جدول ۸. مدل‌های مختلف آزمون فرضیه‌ها و شاخص‌های نیکویی برازش آن‌ها

P	T	β	PNFI	PGFI	IFI	GFI	RMSEA	Chi-Square	فرضیه	مدل
-	-	-	۰/۷۸	۰/۷۰	۰/۹۷	۰/۹۰	۰/۰۴۸	۴۷۳/۹۹	اول	تحلیل عاملی تأییدی سازه مکان با رویکرد بینا فرهنگی-ارتباط علی عامل توان-ظرفیت ماندگاری با عامل توان-ظرفیت تعاملی و تکاملی-ارتباط علی عامل توان-
< ۰/۰۱	۵/۷۹	۰/۴۴							دوم	ظرفیت ماندگاری با عامل توان-ظرفیت تعاملی و تکاملی-ارتباط علی عامل توان-
< ۰/۰۵۸	۲/۶۴	۰/۱۸	۰/۷۸	۰/۷۱	۰/۹۶	۰/۹۰	۰/۰۴۷	۴۷۰/۳۱	سوم	ظرفیت ماندگاری با عامل توان-ظرفیت رویدادی-ارتباط علی عامل توان-
< ۰/۰۵	۲/۰۹	۰/۱۱							چهارم	ظرفیت جذب با عامل توان-ظرفیت رویدادی-ارتباط علی عامل توان-
< ۰/۰۱	۵/۷۹	۰/۳۹							پنجم	ظرفیت تعاملی و تکاملی با عامل توان-ظرفیت رویدادی

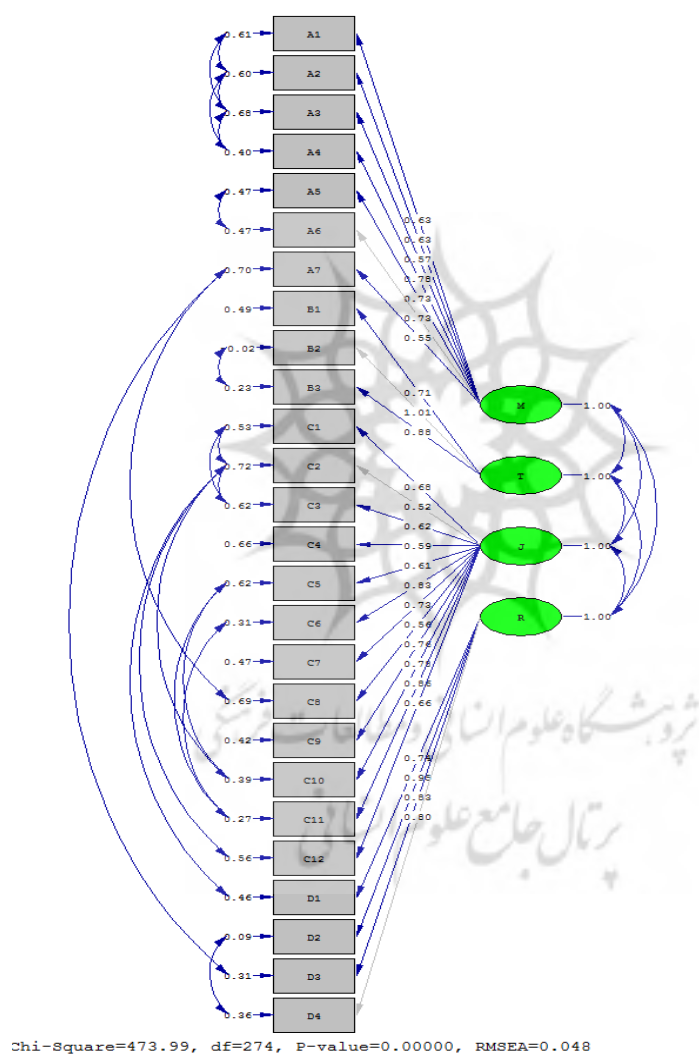
منبع: یافته‌های تحقیق

برای آزمون فرضیه اول، به تحلیل عاملی تأییدی و برآورد بارهای عاملی مدل اندازه‌گیری و شاخص‌های نیکویی برازش مدل نیاز بود که نتیجه آن در شکل ۳ نشان داده شده است. با توجه به این شکل، تمامی بارهای عاملی^۱ در بخش اندازه‌گیری مدل، ضرایب مقبول (عموماً بالای ۷۰ درصد) دارند که این موضوع بیانگر نقش مؤثر معرف‌ها در سنجش

1. Factor Loadings

عامل‌های پنهان^۱ است. همچنین همان‌گونه که در جدول ۷ نشان داده شده است، تمامی شاخص‌های نیکویی برازش در مورد هر چهار سازه قابل قبول است (Hair et al., 2011).

با توجه به موارد فوق می‌توان گفت فرضیه^۱ اول پژوهش تأیید می‌شود؛ یعنی با توجه به داده‌های پژوهش درباره میدان نقش جهان اصفهان، مکان‌ها با رویکرد بینا فرهنگی از ترکیب ابعاد چهارگانه مطرح شده در مدل نظری پژوهش به وجود آمده‌اند. شاخص‌های نیکویی برازش، تناسب مدل تحلیل‌عاملی تأییدی را با مشاهدات پژوهش نشان می‌دهد. فرضیه‌های ۲، ۳، ۴ و ۵ بیانگر روابط علی^۲ سازه‌های پژوهش با یکدیگرند. نتایج آن‌ها در جدول ۲ و شکل ۳ آمده است.



شکل ۳. تحلیل‌عاملی تأییدی عامل مکان با رویکرد بینا فرهنگی

منبع: یافته‌های تحقیق

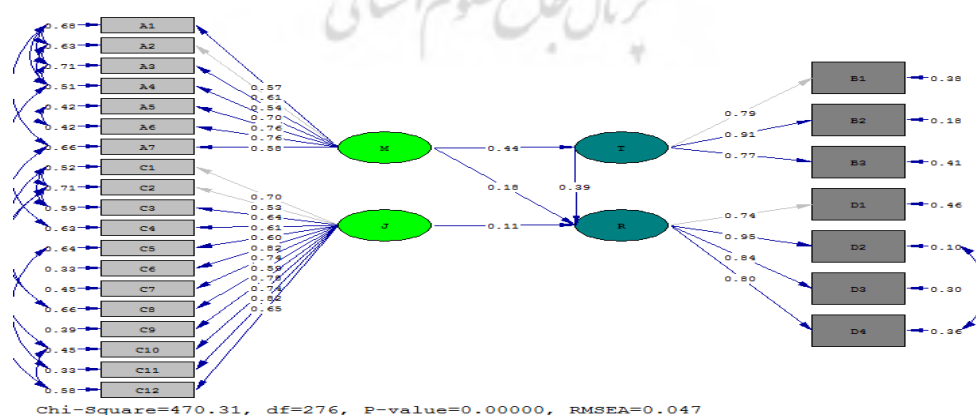
1. Latent Factors
2. Causal Relationships

فرضیه دوم: عامل توان-ظرفیت ماندگاری بر عامل توان-ظرفیت تعاملی و تکاملی تأثیر علی مثبت و معنادار دارد. این فرضیه بیانگر ارتباط علی میان عامل‌های توان-ظرفیت ماندگاری (M)، و توان-ظرفیت تعاملی و تکاملی (T) است. همان‌گونه که ضرایب استاندارد مسیر ساختاری مرتبط با این مسیر علی در شکل ۳ و جدول ۷ (β) نشان می‌دهد، این مسیر با $\beta = 0/44$, $p < 0/01$, $t = 5/79$ بیانگر تأثیر مثبت و معنادار عامل توان-ظرفیت ماندگاری بر عامل توان-ظرفیت تعاملی و تکاملی است؛ بنابراین، فرضیه دوم از نظر آماری تأیید می‌شود.

فرضیه سوم: عامل توان-ظرفیت ماندگاری بر عامل توان-ظرفیت رویدادی تأثیر علی مثبت و معنادار دارد. فرضیه سوم بیانگر ارتباط علی میان عامل‌های توان-ظرفیت ماندگاری (M) و توان-ظرفیت رویدادی (R) است. همان‌گونه که ضرایب استاندارد مسیر ساختاری مرتبط با این مسیر علی در شکل ۳ و جدول ۷ (β) نشان می‌دهد، این مسیر با $\beta = 0/18$, $p < 0/05$, $t = 2/64$ بیانگر تأثیر مثبت و معنادار عامل توان-ظرفیت ماندگاری بر عامل توان-ظرفیت رویدادی است. از این رو فرضیه سوم از نظر آماری تأیید می‌شود.

فرضیه چهارم: عامل توان-ظرفیت جذب بر عامل توان-ظرفیت رویدادی تأثیر علی مثبت و معنادار دارد. فرضیه چهارم نشان‌دهنده ارتباط علی میان عامل‌های توان-ظرفیت جذب (J) و توان-ظرفیت رویدادی (R) است. همان‌گونه که ضرایب استاندارد مسیر ساختاری مرتبط با این مسیر علی در شکل ۳ و جدول ۷ (β) نشان می‌دهد، این مسیر با $\beta = 0/11$, $p < 0/05$, $t = 2/09$ بیانگر تأثیر مثبت و معنادار عامل توان-ظرفیت جذب بر عامل توان-ظرفیت رویدادی است؛ بنابراین، فرضیه چهارم از نظر آماری تأیید می‌شود.

فرضیه پنجم: عامل توان-ظرفیت تعاملی و تکاملی بر عامل توان-ظرفیت رویدادی تأثیر علی مثبت و معنادار دارد. فرضیه پنجم بیانگر ارتباط علی میان عامل‌های توان-ظرفیت تعاملی و تکاملی (T) و توان-ظرفیت رویدادی (R) است. همان‌گونه که ضرایب استاندارد مسیر ساختاری مرتبط با این مسیر علی در شکل ۳ و جدول ۷ (β) نشان می‌دهد، این مسیر با $\beta = 0/39$, $p < 0/01$, $t = 5/79$ بیانگر تأثیر مثبت و معنادار عامل توان-ظرفیت تعاملی و تکاملی بر عامل توان-ظرفیت رویدادی است. از این رو فرضیه پنجم از نظر آماری تأیید می‌شود. همچنین با توجه به جدول ۷، تمامی شاخص‌های نیکویی برازش در مورد بخش ساختاری مدل نیز همانند بخش اندازه‌گیری قابل قبول است (Hair et al., 2011).



شکل ۴. تحلیل عاملی تأییدی عامل مکان با رویکرد بینا فرهنگی

منبع: یافته‌های تحقیق

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

رویکرد پژوهش حاضر به مکان، رویکردی نوین به شمار می‌آید که تاکنون در پژوهش‌ها و مطالعات گذشته به صورت مستقیم در پدیده مکان به کار نرفته است. از این جهت می‌توان پژوهش حاضر را نگرشی نوآورانه و خلاقانه به مفهوم مکان دانست. البته پژوهش‌هایی درباره ابعاد و مؤلفه‌های فرهنگی مکان انجام شده که در ادبیات نظری به برخی از آن‌ها اشاره شده است، اما هیچ‌یک از آن‌ها نگرشی ساختاری به ابعاد و سازه‌های تشکیل‌دهنده مکان با رویکرد بینافرهنگی ندارد. از طرفی، مدلی مفهومی و ساختاری برای ارزیابی اعتبار سنجش ابعاد مفهومی و روابط ساختاری بین سازه‌های پژوهش وجود ندارد؛ بنابراین، یافته‌های پژوهش حاضر را می‌توان به عنوان رویکردی نوین، در پژوهش‌ها و مطالعات آینده استفاده کرد و باب نوینی در پرداخت به مفهوم مکان باز کرد.

میدان نقش جهان اصفهان به دلیل داشتن شرایط ویژه‌ای از جمله ویژگی‌های معماری، فضای مناسب و شهرت بین‌المللی، این قابلیت و ظرفیت را دارد که به عنوان مکانی با مشخصه‌های بینافرهنگی، تعاملات و رویدادهای بینافرهنگی را به وجود آورد. براساس مطالعه حاضر، مکان با رویکرد بینافرهنگی مفهومی پیچیده با ابعاد مختلف است. از دیدگاه نگارندگان، مفهوم مکان با رویکرد بینافرهنگی متشکل از چهار بعد توان-ظرفیت ماندگاری (با ۷ زیربعد)، مطابق نتایج پژوهش‌های زیر است: شفیعیان داریانی و همکاران (۱۳۹۳)، پاکزاد (۱۳۹۰)، پاکزاد (۱۳۹۱)، پنج‌تنی و همکاران (۱۳۹۶)، گل‌کار (۱۳۹۰)، مدیری (۱۳۸۷)، قشقایی و همکاران (۱۳۹۵)، مرتاض مهربانی و همکاران (۱۳۹۶)، محسن حقیقی و همکاران (۱۳۹۶)، استوار و همکاران (۱۳۹۴)، شهبان و لاریمیان (۱۳۹۵) و نقی‌زاده (۱۳۹۲).

توان-ظرفیت تعاملی و تکاملی (با ۳ زیربعد) با نتایج پژوهش‌های زیر مطابقت دارد: پاکزاد (۱۳۹۰)، مدیری (۱۳۸۷)، تامس و کراس (۲۰۰۶)، پنج‌تنی و همکاران (۱۳۹۶)، ذکاوت و سادات‌دهقان (۱۳۹۵)، آلمز و همکاران (۲۰۱۲)، استیل (۱۹۸۱)، شامی (۱۹۹۱)، مرتاض مهربانی و همکاران (۱۳۹۶) و استوار و همکاران (۱۳۹۴).

توان-ظرفیت جذب (با ۱۲ زیربعد) مطابق با نتایج پژوهش‌های زیر است: مدیری (۱۳۸۷)، ذکاوت و سادات‌دهقان (۱۳۹۵)، آلمز و همکاران (۲۰۱۲)، پنج‌تنی و همکاران (۱۳۹۶)، استیل (۱۹۸۱)، شامی (۱۹۹۱)، وحدت و کریمی‌مشاور (۱۳۹۵)، مرتاض مهربانی و همکاران (۱۳۹۶) و استوار و همکاران (۱۳۹۴).

توان-ظرفیت رویدادی (با ۴ زیربعد) براساس نتایج پژوهش‌های زیر است: براتی (۱۳۹۴)، مدیری (۱۳۸۷)، آلمز و همکاران (۲۰۱۲)، پنج‌تنی و همکاران (۱۳۹۶)، ذکاوت و سادات‌دهقان (۱۳۹۵)، شامی (۱۹۹۱)، مرتاض مهربانی و همکاران (۱۳۹۶) و استوار و همکاران (۱۳۹۴).

با توجه به نتیجه تحلیل عاملی تأییدی، هر چهار بعد مطرح شده برآزش مناسبی با داده‌های مشاهده شده دارند و نتیجه فرضیه ۱ را تأیید می‌کند. همچنین براساس یافته‌ها، نباید در بررسی این عناصر از زمینه‌های فرهنگی و محیطی در ایجاد مفهوم مکان با رویکرد بینافرهنگی غافل بود. این یافته‌ها نشان می‌دهد عامل توان-ظرفیت ماندگاری به شکلی معنادار بر عامل توان-ظرفیت رویدادی تأثیرگذار است. همچنین بیانگر آن است که مکان‌هایی با امکان ماندگاری بیشتر، احتمالاً فرصت بهتری برای برگزاری رویدادهای فرهنگی به وجود می‌آورند. این موضوع به ویژه از این نظر اهمیت دارد که براساس نتایج پژوهش حاضر، نمرات عامل توان-ظرفیت ماندگاری از دیگر ابعاد مکان با رویکرد بینافرهنگی در ارزیابی

پاسخگویان کمتر است. در نتیجه برای تبدیل شدن میدان نقش جهان به مکانی با رویکرد بینا فرهنگی، باید تمهیدات ویژه‌ای برای بعد توان-ظرفیت ماندگاری آن در نظر گرفته شود.

عامل توان-ظرفیت ماندگاری به طرز معناداری بر عامل توان-ظرفیت تعاملی و تکاملی تأثیرگذار است. این موضوع نشان می‌دهد مکان‌هایی که امکان ماندگاری بیشتر داشته باشند، احتمالاً فرصت بهتری برای تعامل و در نتیجه تبدیل شدن به مکانی با رویکرد بینا فرهنگی به وجود می‌آورند.

مانند مورد پیشین، توجه بیشتر به ظرفیت‌های ماندگاری در این مورد نیز بیشتر است. مطابق یافته‌ها، عامل توان-ظرفیت جذب به طرز معناداری بر عامل توان-ظرفیت رویدادی تأثیرگذار است. این موضوع نشان می‌دهد مکان‌هایی که امکان جذب بیشتری دارند، احتمالاً فرصت بهتری برای تبدیل شدن به مکانی با رویکرد بینا فرهنگی به وجود می‌آورند. یافته‌ها نشان می‌دهد پاسخگویان از میان تمامی عوامل مکان با رویکرد بینا فرهنگی، بیشترین نمره ارزیابی میدان نقش جهان اصفهان را برای عامل توان-ظرفیت جذب در نظر گرفته‌اند؛ بنابراین می‌توان استنباط کرد در صورتی که میدان نقش جهان اصفهان به عنوان مکانی با رویکرد بینا فرهنگی مطرح شود، شاید توان-ظرفیت جذب آن مفیدتر واقع شود.

عامل توان-ظرفیت تعاملی و تکاملی به طرز معناداری بر عامل توان-ظرفیت رویدادی تأثیرگذار است. بر اساس این موضوع، مکان‌هایی که امکان تعامل بیشتری داشته باشند، احتمالاً فرصت بهتری برای تبدیل شدن به مکانی با رویکرد بینا فرهنگی به وجود خواهند آورد.

به طور کلی می‌توان با توجه به یافته‌ها و مقایسه آن‌ها با نتایج سایر پژوهش‌ها و ادبیات نظری موجود، این گونه استدلال کرد که یک مکان را می‌توان از جنبه‌های مختلف کارکردی و ماهوی به اشکال گوناگونی بررسی کرد. یکی از این ابعاد، جنبه فرهنگی و به عنوان ظرفیتی بینا فرهنگی است که می‌تواند در ایجاد فضایی مناسب برای تعاملات و کنش‌های بینا فرهنگی مفید واقع شود. برای اینکه بتوان مکانی را با توجه به رویکردهای بینا فرهنگی، کارکردی دانست، باید شرایط و ویژگی‌های مختلفی وجود داشته باشد. یکی از این ویژگی‌ها توان-ظرفیت ماندگاری است که به ظرفیت‌های مکان در ایجاد احساسات مثبت و وفاداری در بازدیدکنندگان از مکان اشاره می‌کند. به نظر می‌رسد مکان با رویکرد بینا فرهنگی باید این قابلیت را داشته باشد که حس رضایت درونی و وابستگی را به وجود بیاورد؛ به طوری که بازدیدکنندگان آن را به عنوان مقصدی برای بازدیدهای متعدد خود انتخاب کنند.

یکی دیگر از ویژگی‌های مکان با رویکرد بینا فرهنگی، توان-ظرفیت تعاملی و تکاملی است. این ویژگی به وجود عناصر معنایی و نشانگان شهری و تمدنی در مکان اشاره دارد. با این عناصر می‌توان امکان تعامل را میسر کرد و فضای فرهنگی مناسبی برای کنش‌های معنایی بازدیدکنندگان از فرهنگ‌های مختلف فراهم ساخت.

ویژگی توان-ظرفیت جذب به برخی عناصر جذاب و منحصر به فرد از قبیل المان‌ها، نشانه‌های فرهنگی و تاریخی، سبک‌های خاص معماری و جریان رفتارهای فرهنگی خاصی در مکان اشاره می‌کند که این ظرفیت‌ها ممکن است در جذب کنشگران و بازدیدکنندگان به مکان‌هایی با رویکرد بینا فرهنگی بسیار مؤثر باشد.

ویژگی آخر توان-ظرفیت، رویدادی است که به ظرفیت‌های یک مکان با رویکرد بینا فرهنگی بر برگزاری رویدادهای فرهنگی و بینا فرهنگی از قبیل جشن‌ها، آیین‌ها و تجمعات ملی و میثاقی توجه می‌کند. این رویدادها جزئی از شناسنامه

ملی و اجتماعی هر جامعه قلمداد می‌شود و به دلیل جذابیت ذاتی، زمینه گردهمایی فرهنگ‌ها و تعاملات میان آن‌ها را در مکانی خاص فراهم می‌آورد.

با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان پیشنهادهای زیر را برای استفاده بهتر از ظرفیت‌های میدان نقش جهان اصفهان پیشنهاد کرد:

۱. برگزاری جشنواره‌های سالانه برای معرفی بهتر هنر و فرهنگ ایرانی-اسلامی به گردشگران؛
۲. ایجاد فضاهای عمومی برای تعامل و ارتباط گردشگران از ملل و اقوام مختلف؛
۳. برگزاری نمایشگاه‌ها و بازارهای فصلی برای ارائه صنایع دستی و کالاهای هنری ایرانی؛
۴. برگزاری همایش‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی به منظور معرفی جاذبه‌ها و ظرفیت‌های بینا فرهنگی میدان نقش جهان؛
۵. برگزاری برنامه‌های سالیانه فرهنگی مشترک با سایر کشورها؛
۶. اجرای سیاست‌های تشویقی از قبیل تخفیف‌های ویژه اقامت، بلیت ارزان قیمت، تخفیف برای بازدید از موزه‌ها و مکان‌های فرهنگی شهر و تخفیف در خدمات رستوران‌ها برای جذب بیشتر گردشگران؛
۷. تربیت نیروی انسانی متخصص برای ارائه خدمات در زمینه‌های مختلف به گردشگران و جلب رضایت آنان؛
۸. ایجاد بانک اطلاعاتی کامل از گردشگران و بازدیدکنندگان میدان نقش جهان و حفظ تعامل با آن‌ها پس از بازگشت به دیار خود؛ زیرا آن‌ها می‌توانند به عنوان سفیرانی بالقوه، قابلیت‌ها و ظرفیت‌های بینا فرهنگی میدان نقش جهان را به دیگر افراد و گروه‌ها معرفی کنند؛
۹. برگزاری مسابقات ورزشی سنتی که ویژگی‌های مشترکی با بازی‌های محلی سایر اقوام و ملت‌ها دارند. این امر در شناسایی و ترویج عناصر مشترک فرهنگی جوامع از طریق ظرفیت‌های مکان‌های بینا فرهنگی مفید است؛
۱۰. اطلاع‌رسانی و معرفی بهتر جاذبه‌ها، ظرفیت‌ها، توانمندی‌ها و برنامه‌های بینا فرهنگی میدان نقش جهان از راه‌های مختلف، مانند شبکه‌های مجازی، تورهای نمایشگاهی، چاپ پوستر و کاتالوگ؛
۱۱. تدوین و ارائه گزارش‌های تفصیلی و سالانه در مورد برنامه‌های اجرا شده و برنامه‌هایی که در شرف اجرا هستند. برگزاری این برنامه‌ها می‌تواند در ایجاد انگیزه گردشگران برای استفاده از میدان نقش جهان به عنوان مکانی با رویکرد بینا فرهنگی مفید باشد.

نتایج پژوهش حاضر را می‌توان برای انجام دادن پژوهش‌های بیشتر در مورد ظرفیت‌های بینا فرهنگی مکان‌های تاریخی و فرهنگی ایران در دیگر شهرهای تاریخی کشورمان استفاده کرد؛ زیرا ایران با تاریخ و فرهنگ بسیار غنی خود می‌تواند ظرفیت‌های لازم را برای گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها فراهم کند. پژوهشگرانی که می‌خواهند در این حوزه مطالعه کنند، باید به زمینه‌های فرهنگی، تاریخی و اجتماعی شهرها در بررسی‌های خود توجه کنند. همچنین با بسط و تفصیل هر یک از ابعاد پژوهش حاضر و اضافه کردن ابعاد جدید، دامنه مفاهیم و چارچوب‌های نظری مکان‌ها را گسترش دهند.

پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی

مکان با رویکرد بینافرهنگی، مفهومی بسیار مهم در ادبیات شهرسازی و جامعه‌شناسی شهری است که علی‌رغم اهمیت فراوان آن، در پژوهش‌ها و بررسی‌های علمی، کمتر مورد توجه است. برای غنی‌تر شدن ادبیات نظری و تجربی این موضوع، به‌نظر می‌رسد می‌توان پژوهش‌های بسیاری در زمینه‌های زیر انجام داد:

- شناسایی اماکنی که توان-ظرفیت آن را دارند که بینافرهنگی باشند و معرفی آن‌ها به جامعه علمی و برنامه‌ریزان حوزه مدیریت و سیاست‌گذاری شهری؛
 - شناسایی ابعاد و جوانب دیگری از مکان با رویکرد بینافرهنگی و معرفی آن‌ها؛
 - شناسایی ابعاد و ظرفیت‌های منحصربه‌فرد مناطق، جوامع و فرهنگ‌های مختلف در ارتباط با مکان، با رویکرد بینافرهنگی؛
 - شناسایی ظرفیت‌ها، محدودیت‌ها و به‌طور کلی آسیب‌شناسی نهادی برای کاربست بهینه توانمندی‌های مکان با رویکرد بینافرهنگی؛
- مطالعات تطبیقی در حوزه مکان با رویکرد بینافرهنگی برای برقراری تعامل سازنده بین این مکان‌ها و استفاده از آن به‌عنوان ظرفیت در برقراری گفت‌وگوی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها.

منابع

- آیسم، معصومه و میرغلامی، مرتضی (۱۳۹۵). «مدل ارزیابی حس مکان براساس مؤلفه‌های کالبدی، ادراکی، عملکردی و اجتماعی: نمونه موردی خیابان امام ارومیه»، فصلنامه مطالعات شهری، دوره ۵، شماره ۱۹، صص ۶۹-۷۹.
- ابراهیم‌پور، فرشید (۱۳۹۳)، *میدان نقش جهان: شاهکاری در این جهان*، چاپ اول، انتشارات نقش نگین، اصفهان.
- _____ (۱۳۹۶)، *عالی‌قاپوی نقش جهان، شاهکاری در نصف جهان*، چاپ اول، انتشارات نقش نگین، اصفهان.
- استوار، نیما؛ بهزادفر، مصطفی؛ زمانی، بهادر و قلعه‌نویی، محمود (۱۳۹۴). «آمیخته پژوهی مولفه‌های مؤثر بر ادراک حس زمان در مکان شهری مطالعه موردی: میدان نقش جهان اصفهان»، دوره ۴، شماره ۱۶، صص ۳۹-۵۴.
- امین‌پور، احمد، جبل‌عاملی، عبدالله و فریبا خطابخش (۱۳۹۵)، «بررسی تاریخی نحوه مالکیت مجموعه میدان نقش جهان اصفهان»، نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، سال بیست‌ویکم، شماره ۴، صص ۸۷-۹۸.
- براتی، ناصر (۱۳۹۴)، «تعریف معناشناسانه-فرهنگی از مکان؛ مطالعه موردی: زبان فارسی»، فصلنامه هنر و تمدن شرق، سال سوم، شماره ۸، صص ۳-۱۰.
- بیگدلی، زاهد و شریفی، سمیه (۱۳۸۷). «درآمدی بر مفهوم مکان»، فصلنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، دوره ۱۱، شماره ۴ (پیاپی ۴۴)، ۲۳۹-۲۵۴.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۹۰)، *سیراندیشه‌ها در شهرسازی (۳): از فضا تا مکان*، چاپ دوم، انتشارات آرمان شهر، تهران.
- _____ (۱۳۹۱)، *مبانی نظری و فرایند طراحی شهری*، چاپ پنجم، انتشارات شهیدی، تهران.
- پنج‌تنی، منیره و همکاران (۱۳۹۶)، «پدیدارشناسی تجربه زیباشناختی مکان: مطالعه موردی میدان نقش جهان»، فصلنامه پژوهش‌های فلسفی، سال یازدهم، شماره ۲۰، صص ۲۳-۶۰.
- حبیب، فرشته (۱۳۸۸). «تحلیلی از تعامل فرهنگ و کالبد شهر: نمونه موردی اصفهان صفویه»، نشریه هویت شهر، سال سوم، شماره ۴، ۸۳-۹۴.
- حسینی، سید یعقوب و احمد ابارشی (۱۳۹۱)، *مدل سازی معادلات ساختاری*، چاپ اول، انتشارات جامعه‌شناسان، تهران.
- حقیقی، محسن، قلعه‌نویی، نسرین، محمود و غفاری، عباس (۱۳۹۶). «ارزیابی مؤلفه‌های مؤثر در نقش‌انگیزی و آسایش صوتی افراد در میدان نقش جهان اصفهان»، فصلنامه نامه معماری و شهرسازی، دوره ۱۰، شماره ۱۹، صص ۱۵۲-۱۳۳.
- خستو، مریم و حبیب، فرح (۱۳۹۵). «رویکردی تحلیلی به تأثیر کالبد شهر بر فرهنگ با تأکید بر بافت شهری: مطالعه موردی شهر قزوین»، فصلنامه شهر ایرانی-اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۶، صص ۳۱-۴۲.
- ذکوت، کامران و یاسمن سادات دهقان (۱۳۹۵)، «مدل مدیریت خلق مکان و مؤلفه‌های سازنده کیفیت در عرصه عمومی»، فصلنامه معماری و شهرسازی آرمان شهر، سال نهم، شماره ۱۷، صص ۲۱۵-۲۲۴.
- راد احمدی، مینا (۱۳۹۰). بررسی سیر تحول و تداوم میدان نقش جهان (میدان امام) اصفهان با تأکید بر فضای باز آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما دکتر فرهاد تهرانی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه هنر اصفهان.
- رضوانی، محمدرضا و علی احمدی (۱۳۸۸)، «مکان و نقش فرهنگ در شکل‌گیری هویت مکانی»، فصلنامه پژوهش‌های فرهنگی، سال دهم، شماره ۶، صص ۴۵-۶۸.
- زارع، مژگان (۱۳۹۰). بررسی عناصر تصویری عمارت عالی قاپو و کاربرد آن در گرافیک محیطی میدان نقش جهان اصفهان،

- پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما دکتر خشایار قاضی‌زاده، دانشکده هنر دانشگاه شاهد.
- سازمان میراث فرهنگی (۱۳۸۷)، *نقش جهان: میراث جاودان، روایت رسانه‌ها از جاودانگی یک شاهکار معماری*، چاپ اول، انتشارات قلمرو آفتاب، تهران.
- شایان، حمیدرضا، عینی‌فر، علیرضا و دیبا داراب (۱۳۸۸)، «مفاهیم طراحی در زمینه بیگانه: تحلیل منطقه‌گرایی در آثار معماران غیربومی در کشورهای مسلمان حوزه خلیج فارس»، فصلنامه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، سال اول، شماره ۳۸، صص ۴۹-۶۰.
- شعله، مهسا؛ لطفی، سهند و کیان، فریبا (۱۳۹۶). «کاربست روش سنجش شاخص کیفیت طراحی مکان در ارزیابی تطبیقی فضاهای تاریخی- فرهنگی بررسی موردی: دو فضای تاریخی بافت قدیم شیراز»، دوره ۱۰، شماره ۱۹، صص ۱۱۳-۱۳۳.
- شفیعیان داریانی، فائزة، پورجعفر، محمدرضا و علیرضا قبادی (۱۳۹۳)، «مفهوم ماندگاری در معماری اسلامی و مقایسه آن با مفهوم پایداری در معماری معاصر»، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، سال دوم، شماره ۵، صص ۳۲-۵۰.
- شکویی، حسین (۱۳۸۲). *اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا: فلسفه‌های محیطی و مکتب‌های جغرافیایی*، انتشارات مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، تهران.
- شهبانیان، پویان و لاریمیان، سیده فرزانه (۱۳۹۵). «بررسی منظر صوتی خیابان ولیعصر تهران با تأکید بر ادراک مردم از منظر صوتی»، فصلنامه معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، دوره ۹، شماره ۱۷، صص ۲۳۷-۲۴۸.
- شهبابی‌نژاد، علی، ابویی، رضا و محمود قلعه‌نویی (۱۳۹۵)، «آسایش اقلیمی در میدان نقش جهان»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی- اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۵، صص ۵-۱۶.
- شهبابی‌نژاد، علی؛ ابویی، رضا؛ قلعه‌نویی، محمود و امامی، سید محمد (۱۳۹۳). «شکل‌گیری و دگرگونی تاریخی میدان نقش جهان اصفهان»، دوفصلنامه تخصصی دانش مرمت و میراث فرهنگی، دوره جدید، سال دوم، شماره ۳، صص ۴۵-۶۴.
- قاسمی، وحید (۱۳۹۲)، *مدل‌سازی معادله ساختاری در پژوهش‌های اجتماعی با کاربرد Amos Graphics*، چاپ دوم، انتشارات جامعه‌شناسان، تهران.
- قشقایی، رضا؛ موحد، خسرو و محمدرزاده، حجت ... (۱۳۹۵). «ارزیابی حس تعلق به مکان با تأکید بر عوامل کالبدی و محیطی در سواحل شهری: مطالعه موردی: ساحل بوشهر»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری، دوره ۴، شماره ۲، صص ۲۶۱-۲۸۲.
- گل‌کار، کورش (۱۳۹۰)، *آفرینش مکان پایدار: تأملاتی در باب نظریه‌های طراحی شهری*، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- مدیری، آتوسا (۱۳۸۷)، «مکان»، نشریه هویت شهر، سال دوم، شماره ۲، صص ۶۹-۷۹.
- مرتضی مهربانی، الناز؛ منصوری، سید امیر و جوادی، شهره (۱۳۹۶). «رویکرد منظر در ایجاد سرزندگی خیابان ولی عصر با تأکید بر ایجاد حس مکان: نمونه موردی خیابان ولی عصر حدفاصل میدان ونک-چهارراه پارک وی»، مجله باغ نظر، سال چهاردهم، شماره ۵۵، صص ۵-۱۶.
- نقی‌زاده، محمد (۱۳۹۳). *هویت شهر: مبانی، مولفه‌ها و جلوه‌ها*، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.
- _____ (۱۳۹۴). «تأملاتی در تعامل با فرهنگ‌ها در زمینه نظریه‌ها و اصطلاحات، نمونه: فضا و مکان»، فصلنامه مطالعات معماری ایران، دوره ۴، شماره ۸، صص ۸۹-۱۰۶.
- وحدت، سلمان و کریمی مشاور، مهرداد (۱۳۹۵). «مطالعه تطبیقی دیدگاه‌های متخصصان و شهروندان در راستای تبدیل محیط‌های شهری به فضاهای یاددهنده اجتماعی مطالعه موردی: همدان»، دوره ۴، شماره ۱، صص ۸۹-۱۱۶.

- Almaz, Aacute;N, J. et al. (2012), *Cross-Cultural Evaluation of Public Space Qualities*, Journal of Architecture and Planning (Transactions of Aij), Vol. 77. No. 680: 2379-2388. It's available on: <http://Dx.Doi.Org/10.3130/Aija.77.2379>.
- Almazán, J., Suzuki, M., Tairako, Y., Kawakubo, S., and Inoue, G. (2012), *Cross-Cultural Evaluation of Public Space Qualities*, Journal of Architecture and Planning (Transactions of Aij), Vol. 77. No. 680: 2379-2388. It's available on: <http://Dx.Doi.Org/10.3130/Aija.77.2379>.
- Hair, J. et al. (2011), *An Assessment of the Use of Partial Least Squares Structural Equation Modeling in Marketing Research*, Journal of the Academy of Marketing Science, Vol. 40, No. 3: 414-433.
- Montgomery, J. (2008), *The New Wealth of Cities*, Alder Shot, Ashgate.
- Thomas, D. F., and Cross, J. E. (2006), *Organization as Place Builders*. It's available on: <http://www.stoveprairiegroup.com/Oapd.Pdf> (Accessed at 17th May).
- Steele, F. (1981), *The Sense of Place*, Cbi Publishing Company, Boston.
- Shamai, Sh. (1991), *Sense of Place: An Empirical Measurement*, Israel, Geoforum Vol. 22, 347-358.
- Shamai, S. (1991), *Sense of Place: an Empirical Measurement*, Geoforum, Vol. 22, No. 3: 347-358. It's available on: [http://dx.doi.org/10.1016/0016-7185\(91\)90017-K](http://dx.doi.org/10.1016/0016-7185(91)90017-K)
- Aminpur, A., Jabalameli, A., and Khatabakhsh, F. (2017), *A Historical Review of Naghsh-E Jahan Square's Status of Proprietorship: From Safavid Era To the Islamic Revolution According To Deeds of Endowment*, Honar-Ha- Ye-Ziba: Memari-Va-Shahrsazi, Vol. 21, No. 4: 87-98. (In Persian)
- Barati, N. (2015), *Semiotic-Cultural Definition of "Place" (Case Study: Persian Language)*, Journal of the Art and Civilization of the Orient, Vol. 3, No. 8: 3-10. (In Persian)
- Bigdeli, Z., and Sharifi, S. (2008), *An Introduction into the Concept of Place, Library and Information Science*, Vol. 11, No. 4: 239-254. (In Persian)
- Cultural Heritage Organization. (2008), *Naghsh-e-Jahan: Eternal Legacy, Media Narratives of Immortality of an Architectural Masterpiece*, First Edition, Ghalmlro Aftab Publication, Tehran. (In Persian)
- Ebrahimpour, F. (2015), *Naqsh-E Jahan Square: A Masterpiece in this World*, First Edition, Naqsh-e Negin Publishing, Isfahan. (In Persian)
- (2018), *Ālī Qāpū of Naqsh-E Jahan: A Masterpiece in Half of the World*, First Edition, Naqsh-e Negin Publishing, Isfahan. (In Persian)
- Ghasemi, V. (2013), *Structural Equation Modeling in Social Researches Using Amos Graphics*, Second Edition, Sociologists Publication, Tehran. (In Persian)
- Ghashghaee, R., Movahed, Kh., and Mohammadzadeh, H. (2016), *Evaluation of Sense of Place with an Emphasis on Physical and Environmental Factors in Urban Coastal Areas; Case Study: Boushehr Town*, Journal of Geography and Urban Planning Research, Vol. 4, No. 2: 261-282. (In Persian)
- Golkar, K. (2011), *Creating Sustainable Place: Reflections on Urban Design Theory*, Publication of Shahid Beheshti University, Tehran. (In Persian)

- Habib, F. (2009), *The Interaction Between Culture and Urban Physical; Case Study: Esfahan-Safavid*, Hoviat-e-Shahr, No. 3, NO. 4: 83–94. (In Persian)
- Hair, J. et al. (2011), *An Assessment of The Use of Partial Least Squares Structural Equation Modeling in Marketing Research*, Journal of The Academy of Marketing Science, Vol. 40, No. 3: 414–433.
- MohsenHaghighi, N., Ghaleehnoee, M., and Ghaffari, A. (2017), *Assessing the Effective Elements of Acoustic Comfort and Soundscape Imageability of Users in the Naghsh-E-Jahan Square, Isfahan*, Journal of Architecture and Urban Planning, Bi-Annual Journal of University of Art, Vol. 5, No. 19: 133–151. (In Persian).
- Hosseini, Y., and Abareshi, A. (2012), *Structural Equation Modeling*, First Edition, Sociologists Publication, Tehran. (In Persian)
- Khastou, M., and Habib, F. (2017), *An Analytical Approach to the Impact of Urban Physical Aspects on Culture Emphasizing Urban Fabric; Case Study: City of Qazvin*, Journal of Studies on Iranian-Islamic City, Vol. 7, No. 26: 31–42. (In Persian).
- Kottak, P. C. (2002), *Anthropology: The Exploration of Human Diversity*, Mcgraw-Hill Higher Education Publication, United States.
- Mehrabani, E., Mansouri, A., and Javadi, Sh. (2017), *Landscape Approach in Creating Vitality in Valiasr Avenue with Emphasis on Creating the Sense of Place. a Case Study of Valiasr Avenue (The Distance Between Vanak Square And Parkway Intersection)*, Bagh-e Nazar Quarterly Journal, Vol. 14, No. 55: 5–16. (In Persian).
- Mortazi Mehrbani, E., Mansouri, A., and Javadi, Sh. (2017), *Landscape Approach in Creating Vitality in Valiasr Avenue with Emphasis on Creating the Sense of Place. a Case Study of Valiasr Avenue (The Distance Between Vanak Square And Parkway Intersection)*, Bagh-e Nazar Quarterly Journal, Vol. 14, No. 55: 5–16. (In Persian)
- Mirgholami, M., and Ayashm, M. (2016), *A Conceptual Model to Evaluate the Sense of Place Using Four Factors of Perceptual, Physical, Social and Functional; the Case Study of Imam Street in Urmia*, Journal of Urban Studies: Motaleate Shahri, Vol. 5, No. 19: 69–79. (In Persian).
- Ayashm, M., and Mirgholami, M. (2016), *A Conceptual Model to Evaluate the Sense of Place Using Four Factors of Perceptual, Physical, Social and Functional; the Case Study of Imam Street in Urmia*, Journal of Urban Studies: Motaleate Shahri, Vol. 5, No. 19: 69–79. (In Persian)
- Modiri, A. (2008), *Place*, Hoviat-e-Shahr, Vol. 2, No. 2: 69–79. (In Persian)
- Naqizadeh, M. (2016), *Contemplations on Cultural Transactions Regarding Ideas and Idioms, Case Study: Space and Place*, Journal of Iranian Architecture Studies, Vol. 1, No. 8: 89–106. (In Persian).
- Naqizadeh, M. (2015), *Identity of The City: Foundations, Components and Manifestations*, First Edition, Jihad Daneshgahi Publication, Tehran. (In Persian).
- Ostovar, N. et al. (2015), *Mixed Method Research of Effective Factors on Temporality in Urban Place/ Naghsh-E-Jahan Square Isfahan*, Journal of Urban Studies: Motaleate Shahri, Vol. 4, No. 16: 39–53. (In Persian).
- Pakzad, J. (2010), *An Intellectual History of Urbanism, from Space to Place*, Second Edition, Armanshahr Publishing, Tehran. (In Persian)

- (2011), *Theoretical Foundations and Urban Design Process*, Fifth Edition, Shahidi Publishing, Tehran. (In Persian)
- Panjtani, M. et al. (2017), *Phenomenology of the Aesthetic Experience of Place: Case Study Naqsh-e-Jahan Square*, Journal of Philosophical Investigations, Vol. 11, No. 20: 23–60. (In Persian)
- Rad Ahmadi, M. (2012), *The Study of the Evolution and the Continuity of Naghsh-E-Jahan Square (Imam Square) in Isfahan with Emphasis on its Open Space*, Master Thesis in Environmental Graphic, Advisor Professor: Tehrani, F., Isfahan University of Art. (In Persian).
- Rezvani, M. R., and Ahmadi, A. (2010), *Place and Role of Culture in the Formation of Spatial Identity*, Journal of Culture-Communication Studies, Vol. 10, No. 6: 45–68. (In Persian).
- Shafieian Dariani, F., Pourjafar, M., and Rand Ghobadi, A. R. (2014), *The Concept of Persistence in Islamic Architecture and Comparing it to The Concept of Sustainability in Contemporary Architecture*, Journal of Researches in Islamic Architecture, Vol. 2, No. 4: 32–50. (In Persian)
- Shahabian, P., and Larimiyan, F. (2016), *Survey on Soundscape of Valiasr Street in Tehran with Emphasis on a Human Perception*, Armanshahr Journal, Vol. 9, No. 17: 237–248. (In Persian).
- Shahabi-Nejad, A., Abouie, R., and Ghaleehnoee, M. (2016), *Climatic Comfort in Naqsh-e Jahan Square*, Journal of Studies on Iranian-Islamic City, Vol. 7, No. 25: 5–16. (In Persian)
- Shahabi Nejad, A. et al. (2014), *Formation and Historic Revolution of Isfahan S Naghsh-e-Jahan Square*, Bi-Annual Electronic Journal of Restoration Science and Cultural Heritage, Vol. 2, No. 3: 45–65. (In Persian).
- Shahabi Nejad, A., Abuei, R., Ghalehnoei, M. and Emami, S.M.(2014), *Formation and Historic Revolution of Isfahan S Naghsh-e-Jahan Square*, Bi-Annual Electronic Journal of Restoration Science and Cultural Heritage, Vol. 2, No. 3: 45–65. (In Persian)
- Shamai, S. (1991), *Sense of Place: an Empirical Measurement*, Geoforum, Vol. 22, No. 3: 347–358. It's available on: [http://dx.doi.org/10.1016/0016-7185\(91\)90017-K](http://dx.doi.org/10.1016/0016-7185(91)90017-K). (In Persian).
- Shayan, H. R., Einifar, A. R., and Darab, D. (2009), *Design Concepts In Alien Context Analyzing Foreign Architects*, Works in Persian Gulf States From the Perspective of Regionalism, Honar-Ha- Ye-Ziba: Memari-Va-Shahrsazi, Vol. 1, No. 38: 49–60. (In Persian)
- Shakouei, H. (2005), *New Thoughts in the Philosophy of Geography: Environmental Philosophy and Geographic Schools*, Gitashenasi Geographical and Cartographic Institute, Tehran. (In Persian).
- Sholeh, M., Lotfi, S., and Kian, F. (2017), *Application of 'Place Design Quality Indicator' (Pdqi) Method in the Comparative Assessment of Historic and Cultural Urban Spaces Case Study: Two Historic-Cultural Places In Historic Urban Fabric of Shiraz*, Journal of Architecture and Urban Planning, Vol. 10, No. 19: 31–114. (In Persian).
- Vahdat, S., and Karimimoshaver, M. (2016), *Comparative Study on The Opinions of Specialists and Citizens to Transform Urban Environments Into Social Teaching Spaces; Case Study: Hamadan*, Journal of Geography and Urban Planning Research, Vol. 4, No. 1: 89–116. (In Persian).

- Zare, M. (2011), *The Study of Visual Factors in Ali Qapu Mansion and Its Use in Environmental Graphic of Isfahan Naghsh-E-Jahan Square*, Master Thesis in Visual Communication, Advisor Professor: Ghazizadeh, K., Shahed University. (In Persian).
- Zekavat, K., and Sadat Dehghan, Y. (2017), *Dimension to Develop Quality in Public Realm and A Management Model for Creation of Places*, Armanshahr Journal, Vol. 9, No. 17: 215–224. (In Persian)

